

Needs Assessment of Accounting Standards for small and medium-sized Entities (SMEs) from the Perspective of Creditors and Financial Information Providers¹

Mohammad Reza Behmanesh², Mohammad Reza Abbaszadeh³,
Behzad Kardan⁴

Received: 2021/11/11
Approved: 2022/01/21

Research Paper

Abstract

Iranian Accounting Standard No. 1 states that presentation of financial statements is aimed for public sector, however, according to the International Financial Reporting Standards and Iranian auditing standards for small and medium-sized Entities (IFRS for SMEs), there are no public purposes. The purpose of this study is to investigate the need to develop accounting standards for SMEs from the perspective of creditors and financial information providers in the research population. The research data is collected through interviews and questionnaires and the needs assessment is done by measuring the gap between existing standards and formulating new standards. The sample includes 371 people in two groups of creditors (141 persons) and financial information providers (230 persons) in Mashhad metropolitan area. Based on the Mann-Whitney U-test that determines a significant difference between the two groups of creditors and financial information providers as maximum 5 percent, findings of the research indicate that there is a significant difference with 95 percent of confidence between the two groups of creditors and financial information providers in terms of the gap. The results indicate that there is a need for accounting standards development for SMEs from the perspective of both creditors and financial information providers, and the need of creditors is greater than that of financial information providers. Need assessment of accounting standards development for SMEs will enable accounting standards developers to better identify the needs of financial information users and to make specific adjustments, adapting standards to the needs of users, and preventing multiple workloads.

Keyword: Accounting Standards, Creditors, Financial Information Providers, Small and Medium-Sized Entities.

JEL Classification: M41-M42-M49

1. DOI: 10.22051/JERA.2020.30650.2653
 2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Member of Attar Institute of Higher Education, Mashhad, Iran. (behmanesh435@attar.ac.ir).
 3. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author). (abbas33@um.ac.ir).
 4. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (kardan@um.ac.ir).
- <https://jera.alzahra.ac.ir>

نیازسنجی تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط (SMEs) از دیدگاه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی^۱

محمد رضا بهمنش^۲، محمد رضا عباس زاده^۳، بهزاد کاردان^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

مقاله پژوهشی

چکیده

در استاندارد حسابداری شماره یک ایران بیان شده که هدف ارائه صورت‌های مالی، مقاصد عمومی است اما طبق استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط و استانداردهای حسابداری ایران برای این واحدهای تجاری مقاصد عمومی مطرح نیست. هدف از این پژوهش، بررسی نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط از دیدگاه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در جامعه مورد بررسی است. روش پژوهش جهت جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه و پرسشنامه بوده و نیازسنجی از طریق اندازه‌گیری شکاف بین استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید محاسبه شده است. جامعه آماری شامل ۳۷۱ نفر در دو گروه اعتباردهندگان (۱۴۱ نفر) و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی (۲۳۰ نفر) در کلان‌شهر مشهد است. یافته‌های پژوهش طبق آزمون من وی تی که سطح معنی‌داری برای تفاوت دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی از پنج درصد کمتر است، حاکی از این است که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی از نظر میزان شکاف، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتیجه پژوهش حاکی از این است که در هر دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط وجود داشته و نیاز در گروه اعتباردهندگان بیشتر از تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی است. در مورد دانش‌افزایی پژوهش می‌توان گفت که نیازسنجی تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط باعث خواهد شد تا مسئولان تدوین استانداردهای حسابداری بهتر بتوانند نیازهای استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی را شناسایی و به یک‌جهت‌گیری مشخص، انطباق استانداردها با نیاز استفاده‌کنندگان و جلوگیری از چندباره کاری دست یابند.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای حسابداری، اعتباردهندگان، تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، واحدهای تجاری کوچک و متوسط.

طبقه بندی موضوعی: M41, M42, M49

DOI: 10.22051/JERA.2020.30650.2653

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی عطار، مشهد، ایران. (behmanesh435@attar.ac.ir)

۳. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (abbas33@um.ac.ir)

۴. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (kardan@um.ac.ir)

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

در ایران باوجود اینکه طبق اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۴ حدود ۸۱/۱۵ درصد کارگاه‌های صنعتی را واحدهای تجاری کوچک و متوسط تشکیل داده‌اند اما در مورد استانداردهای حسابداری برای این واحدهای تجاری اقدام قابل توجهی صورت نگرفته است. در نگاره ۱ به این مهم و به تفکیک استان پرداخته شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴). در بخش یک استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط آمده است که این بنگاه‌ها آن گروه از واحدهای تجاری هستند که مسئولیت پاسخگویی عمومی ندارند و صورت‌های مالی با مقاصد عمومی را برای استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی منتشر نمی‌کنند (رحیمیان، ۱۳۹۶). گزارشگری مالی با مقاصد عمومی اساساً برای واحدهای تجاری بزرگ تدوین شده است درحالی که گزارشگری مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط، باید با توجه به قابلیت درک و فهم استفاده‌کنندگان آن تهیه و ارائه شود تا بتواند نیازهای اطلاعاتی آنان را برآورده سازد (قلی پور، ۱۳۹۳). طبق استاندارد حسابداری شماره ۱ ایران (نحوه ارائه صورت‌های مالی)، هدف ارائه صورت‌های مالی، مقاصد عمومی است (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۹۷). بنابراین واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران که در آن‌ها مقاصد عمومی مطرح نیست، از استانداردهایی تبعیت می‌کنند که برای مقاصد عمومی تهیه شده‌اند. مسئله اصلی تحقیق این است که آیا در ایران و در جامعه موردبررسی نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط وجود دارد یا خیر؟

شوماخر اقتصاددان آلمانی عنوان کرده که ناکارایی و رکود اقتصاد اروپا و آمریکا دلیلی به جز بزرگ شدن ابعاد کارخانجات و خارج شدن آن‌ها از کنترل مدیران ندارد. از این رو حرکت کسب و کارها به سمت کوچک شدن علاوه بر درون‌زا کردن دانش فنی تولید، می‌تواند جلوی افزایش ابعاد را به نحو چشمگیری بگیرد و مدیریت را متمرکز کند. راه کاری که وی پیشنهاد می‌کند روی آوردن به کسب و کارهای کوچک است زیرا این کسب و کارها ضمن ایجاد ارزش افزوده باعث کاهش میزان بیکاری نیز می‌شود. شوماخر در تحلیلی دیگر اظهار می‌کند که دلیل توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم تأکید بیش از اندازه به کسب و کارهای بزرگ است. وی استراتژی کوچک زیباست را مطرح نمود که در آن بیکاری به‌عنوان مهم‌ترین مشکل کشورهای جهان سوم و معضل سیل مهاجرت از روستاها به شهرها ضرورت توجه به بنگاه‌های زودبازده را نمایان می‌کند. نگاهی به نظام اقتصادی و اجتماعی در بسیاری از کشورهای

توسعه یافته جهان نشان می‌دهد که ایجاد و حمایت از واحدهای تجاری کوچک و متوسط یکی از اولویت‌های اساسی در برنامه‌های توسعه اقتصادی این کشورها است. این بنگاه‌های اقتصادی علی‌رغم آن‌که به سرمایه‌گذاری کمتری نیاز دارند بازدهی بیشتری داشته و در ایجاد اشتغال، ایجاد بستر مناسب برای نوآوری و اختراعات و افزایش صادرات این کشورها، نقش مهمی دارند (کیپوری، ۱۳۹۴).

نگاره ۱: درصد کارگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط در ایران به تفکیک استان

نام استان	درصد	نام استان	درصد	نام استان	درصد
آذربایجان شرقی	۸۳	فارس	۸۴	زنجان	۷۲
آذربایجان غربی	۸۷	قزوین	۷۵	سمنان	۹۴
اردبیل	۹۱	قم	۸۶	سیستان و بلوچستان	۹۳
اصفهان	۸۲	کردستان	۹۲	هرمزگان	۷۹
البرز	۷۱	کرمان	۹۱	همدان	۸۹
ایلام	۹۳	کرمانشاه	۸۷	یزد	۷۰
بوشهر	۸۴	کهگیلویه و بویر احمد	۷۷	خوزستان	۷۴
تهران	۷۶	گلستان	۸۹	مرکزی	۷۶
چهارمحال و بختیاری	۸۹	گیلان	۸۳	خراسان شمالی	۸۵
خراسان جنوبی	۸۵	لرستان	۸۸	خراسان رضوی	۷۸

واحدهای تجاری کوچک و متوسط یکی از اجزای حیاتی رشد در اقتصاد جهانی بوده و اهمیت آن‌ها در رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به خوبی شناخته شده است. این واحدهای تجاری زمینه را برای بسیج منابع کشور فراهم می‌سازند که نتیجه آن افزایش درآمد و ایجاد اشتغال در سطوح ملی و منطقه‌ای است. همچنین این واحدهای تجاری منعطف بوده و راحت‌تر خود را با تغییرات پرشتاب محیطی منطبق کرده و نسبت به عوامل اقتصادی و سیاسی سریع‌تر واکنش نشان می‌دهند (شریف‌زاده، ۱۳۸۷). بنگاه‌های کوچک و متوسط با موانع و مشکلات متعددی بر سر راه اعتلای خویش مواجه‌اند. از مهم‌ترین این موانع، محدودیت در تأمین مالی و دسترسی به سرمایه است. از راهکارهای اصلی از میان برداشتن این موانع، ارتقای کیفیت گزارشگری مالی است زیرا ارتقای کیفیت گزارشگری مالی موجب کاهش بی‌تقارنی اطلاعاتی و در نتیجه باعث کاهش هزینه تأمین مالی آن‌ها می‌شود (رحیمیان، ۱۳۹۰). واحدهای تجاری برای بقاء و گسترش فعالیت‌های خود نیاز به منابع مالی دارند که با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشا، میزان به‌کارگیری منابع مالی در واحدهای تجاری افزایش

می‌یابد (حمزه نیک نیورد، ۱۳۹۹). در ایران برگزیدن سیاست‌هایی مانند اعطای تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده، نمایانگر توجه سیاست‌گذاران اقتصادی کشور به این واحدهای تجاری است اما توجه نکردن به پیش نیازهای لازم برای توسعه این بنگاه‌ها، می‌تواند نتایج نامطلوبی در پی داشته باشد. در واقع گسیل داشتن منابع اقتصادی به سوی بنگاه‌های فاقد کارایی کافی و لازم، موجب هدر رفتن منابع اقتصادی کشور و تخصیص غیربینه آن می‌گردد بنابراین ارتقای کیفیت گزارشگری مالی از سازوکارهای بااهمیت در پیشگیری از شرایط پیش گفته و تخصیص بهینه منابع محسوب می‌شود (رحیمیان، ۱۳۹۰). بنابراین با توجه به مطالب بیان‌شده، هدف از این تحقیق، بررسی نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در جامعه موردبررسی است.

افزایش قابل توجه واحدهای تجاری کوچک و متوسط در جهان و تحمیل استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، سبب محدودیت‌هایی برای آنان گشته و بحث‌های بسیاری را برای توجه به موضوع گزارشگری مالی آنان و اثربخشی فرایند گزارشگری مالی و افشا به دنبال داشته است. مهم‌ترین تفاوت قابل توجه این است که تفکیک مالکیت از مدیریت شرکت‌های بزرگ و همچنین افزایش حضور این شرکت‌ها در بازارهای سرمایه جهت تأمین منابع مالی و لزوم قابلیت پاسخگویی عمومی، سبب گسترش و توسعه استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی عمومی شده است در حالی که واحدهای تجاری کوچک و متوسط به دلیل نوع ساختار و فعالیت، پاسخگویی عمومی برای آن‌ها مفهومی ندارد (برزگر، ۱۳۸۹). از آنجایی که استانداردهای حسابداری موجود برای رفع نیازهای اطلاعاتی شرکت‌های بزرگ تدوین شده و توان برآوردن نیازهای استفاده‌کنندگان واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران را ندارند، از این رو تدوین استانداردهای حسابداری برای این واحدهای تجاری از اهمیت بسیاری برخوردار است (رحیمیان، ۱۳۹۱). بر اساس برنامه توسعه اقتصادی (برنامه پنجم و ششم توسعه) و سیاست‌های دولت، تشویق بنگاه‌های کوچک و زودبازده از اولویت‌های اصلی دولت برای رشد و توسعه فعالیت‌های صنعتی و مولد است. از این رو موضوع گزارشگری مالی این واحدهای تجاری برای دولت، بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری و نهادهای قانونی بسیار حائز اهمیت است (رحیمیان، ۱۳۹۱). اگر مروری به استانداردهای حسابداری و حسابرسی ایران صورت گیرد، ضرورت تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران آشکارتر خواهد شد.

طبق استاندارد حسابداری شماره ۱ ایران (نحوه ارائه صورت‌های مالی) به شرح زیر، هدف ارائه صورت‌های مالی، مقاصد عمومی مطرح شده است درحالی که این مورد برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط مصداق ندارد.

بند ۱) مبنای ارائه صورت‌های مالی با مقاصد عمومی را مقرر می‌کند تا از قابل مقایسه بودن آن با صورت‌های مالی دوره‌های قبل و سایر واحدهای تجاری اطمینان حاصل شود.
بند ۲) واحد تجاری باید این استاندارد را در تهیه و ارائه صورت‌های مالی با مقاصد عمومی بر اساس استانداردهای حسابداری بکار گیرد.

بند ۷) صورت‌های مالی با مقاصد عمومی صورت‌های مالی است که هدف آن تأمین نیازهای استفاده‌کنندگان است که در موقعیتی نیستند که واحد تجاری را ملزم کنند گزارش‌هایی مطابق با نیازهای اطلاعاتی خاص آن‌ها تهیه کند (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۹۷). طبق استانداردهای حسابرسی ایران ملاحظات خاصی برای واحدهای تجاری کوچک در نظر گرفته شده و این در حالی است که در متن استانداردهای حسابداری اشاره‌ای به این واحدهای تجاری نشده است. این استانداردهای حسابرسی به شرح زیر است:

بندت-۶۱ استاندارد (۲۰۰) واحد تجاری کوچک به واحدی اشاره دارد که دارای ویژگی‌های زیر باشد: تمرکز مالکیت و مدیریت، معاملات ساده، سیستم حسابداری ساده، رشته فعالیت محدود، کنترل‌های داخلی محدود، سطوح مدیریتی محدود، تعداد کم کارکنان.

بندت-۶۲ استاندارد (۲۰۰) ملاحظات خاص مربوط به واحدهای تجاری کوچک برای آن دسته از واحدهای تجاری تدوین گردیده که اوراق بهادار آن‌ها به عموم عرضه نشده است.

بندت-۶۳ استاندارد (۲۰۰) مالک یک واحد تجاری کوچک که به طور مستمر درگیر اداره واحد تجاری است، مدیر-مالک نامیده می‌شود.

بندت-۳۱ استاندارد (۲۶۰) در حسابرسی واحدهای تجاری کوچک حسابرس ممکن است برای اطلاع‌رسانی به ارکان راهبری از ساختاری ساده‌تر استفاده کند.

بندت-۳ استاندارد (۲۶۵) اگرچه مفاهیم زیربنایی فعالیت‌های کنترلی در واحدهای تجاری کوچک مشابه واحدهای تجاری بزرگ‌تر است اما نحوه اجرای آن‌ها باهم متفاوت است.

بندت-۴ استاندارد (۲۶۵) واحدهای تجاری کوچک اغلب دارای کارکنان کمتری هستند و در نتیجه امکان تفکیک وظایف محدود می‌شود (کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۹۶).

رعایت و اجرای کامل الزامات گزارشگری موجود در ایران برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط همواره پیچیده و پرهزینه بوده و این بنگاه‌ها امکانات و توانایی‌های حسابداری محدودی دارند بنابراین ضرورت گزارشگری مالی متفاوت و تدوین استانداردهای حسابداری برای این واحدهای اقتصادی در ایران احساس می‌شود (رحیمیان، ۱۳۹۱) در ایران پژوهشی توسط دلاوری و مهدوی (۱۳۹۸) انجام شده که تا حدودی مشابه پژوهش حاضر است. نتیجه پژوهش دلاوری و مهدوی بیانگر ضرورت ساده‌سازی نظام گزارشگری مالی شرکت‌های کوچک و تدوین استانداردهای حسابداری جداگانه برای این شرکت‌ها در ایران است. پژوهش دلاوری و مهدوی تفاوت‌هایی نیز با این پژوهش دارد. این تفاوت‌ها شامل: ۱- هدف پژوهش ایشان شناخت نیازهای گزارشگری مالی شرکت‌های کوچک است اما هدف این پژوهش نیازسنجی تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط است. ۲- جامعه آماری پژوهش ایشان، اساتید حسابداری دانشگاه‌های دولتی بوده و جامعه آماری این پژوهش، بخشی از استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط شامل اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی بوده است. ۳- پژوهش ایشان در مورد ضرورت تدوین استانداردهای حسابداری برای فقط شرکت‌های کوچک بوده اما این پژوهش در مورد ضرورت تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط است. در زمینه نیازسنجی تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط از طریق اندازه‌گیری شکاف بین (استانداردهای موجود) و (تدوین استانداردهای جدید) جهت مقایسه، پژوهش مشابهی انجام نشده است. نوآوری این تحقیق این است که با مطالعه و بررسی استانداردهای حسابداری و حسابرسی ایران و استانداردهای بین‌المللی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط مشخص شد که در ایران واحدهای تجاری کوچک و متوسط از استانداردهایی تبعیت می‌کنند که برای مقاصد عمومی تهیه شده اند حال آنکه طبق استانداردهای بین‌المللی و استانداردهای حسابرسی ایران، مقاصد عمومی برای این واحدهای تجاری مطرح نیست. همچنین برای این واحدهای تجاری در ایران استانداردهای حسابرسی تدوین شده اما هیچ استاندارد حسابداری برای این واحدهای تجاری تدوین نشده و واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران از استانداردهای واحدهای تجاری بزرگ استفاده می‌کنند. بنابراین در این پژوهش به نیازسنجی تدوین استانداردهای حسابداری برای این واحدهای تجاری در ایران و در جامعه مورد بررسی پرداخته شده است.

مروری بر پیشینه

پژوهش‌های خارجی

با سمیر و فارکس (۲۰۱۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که کیفیت سود واحدهای تجاری کوچک و متوسط در آلمان به‌ویژه واحدهای تجاری تازه تأسیس و دارای نرخ رشد بالا، با پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط، افزایش می‌یابد.

گا سن (۲۰۱۷) در پژوهش خود دریافت اعتباردهندگان (بانک‌ها)، مقامات مالیاتی و سهامداران داخلی و خارجی به‌عنوان استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط هستند. قابل ذکر است که اهمیت مقامات مالیاتی در کشورهای مختلف متفاوت است. در برخی از کشورها مقامات مالیاتی به‌عنوان اولین استفاده‌کننده و در برخی دیگر از کشورها به‌عنوان آخرین استفاده‌کننده گزارش‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط معرفی شده‌اند.

والنتینی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی تفاوت‌های الزامات گزارشگری مالی بین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط و استانداردهای ملی ایتالیا را بررسی کردند. یافته‌ها حاکی از تفاوت عمده مربوط به نحوه ارائه صورت‌های مالی و میزان افشای اطلاعات در یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی بود.

کایا و کخ (۲۰۱۵) در پژوهشی پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ۱۲۸ کشور را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که احتمال پذیرش این استانداردها در کشورهای در حال توسعه که واحدهای تجاری کوچک و متوسط در آن‌ها ملزم به رعایت استانداردهای شرکت‌های بزرگ هستند، بیشتر است و استفاده از استانداردهای حسابداری واحدهای تجاری بزرگ برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در این کشورها باعث کاهش کیفیت سود این واحدهای تجاری می‌شود.

موسسه تحقیقات اقتصادی آسیای شرقی^۱ در سال ۲۰۱۴، چند پروژه تحقیقاتی انجام داد تا بهبود دسترسی واحدهای تجاری کوچک و متوسط به تأمین مالی را در اقتصادهای آسیای شرقی بررسی نماید. این تحقیقات بیان کردند که برای دسترسی واحدهای تجاری کوچک و متوسط به تأمین مالی، چالش‌هایی وجود دارد که می‌توان به عدم وجود رویه‌های حسابداری شفاف و

1. ASEAN

عدم ثبت مبادلات مالی، اشاره کرد. چالش دیگر، جذب سرمایه واحدهای تجاری کوچک و متوسط منطقه آسیای شرقی از کشورهای توسعه یافته است. شرکت‌های سرمایه‌گذاری در کشورهای توسعه یافته جهت سرمایه‌گذاری در کشورهای هدف بر صورت‌های مالی آن‌ها اتکا می‌کنند؛ بنابراین فقدان صورت‌های مالی یا شفافیت کم و یا قابلیت اطمینان پایین اطلاعات مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری آن‌ها تأثیر بسزایی خواهد داشت. برای مواجهه با این چالش‌ها، بهبود اطلاعات مالی یکی از راهکارهای اساسی است (میزو نورا، ۲۰۱۵).

امور جی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی، گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در نیجریه که بر روی سه گروه (حسابرسان، تحلیلگران مالی و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی) تأثیر داشت را انجام داده و به نتایج زیر رسیدند:

۱- واحدهای تجاری کوچک و متوسط باید از سیستم گزارشگری مالی جداگانه استفاده نمایند تا ضمن ساده‌سازی و کاهش در هزینه‌ها، باعث ارتقا مربوط بودن اطلاعات مالی شوند.

۲- به منظور ساده‌سازی تهیه صورت‌های مالی، باید واحدهای تجاری کوچک و متوسط نسبت به گزارش نکردن رویه‌های حسابداری، صورت ارزش افزوده، یادداشت حساب‌ها و گزارش مدیران مجاز باشند.

۳- هیئت استانداردهای حسابداری مالی نیجریه باید یک کمیته جداگانه برای گزارشگری مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط تشکیل دهد.

بونیا و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی دیدگاه حسابداران رومانیایی در مورد گزارشگری مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط را ارزیابی کردند و به این نتیجه رسیدند که اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان واحدهای تجاری کوچک و متوسط با اطلاعات مورد نیاز واحدهای تجاری بزرگ متفاوت است و نیاز به سیستم گزارشگری مالی ساده‌تری برای این بنگاه‌ها احساس می‌شود.

تی فونگ یین (۲۰۱۰) در پژوهشی تاریخچه توسعه استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط و چشم‌اندازهای آینده استفاده از استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط را بررسی نمود و به این نتیجه رسید که استانداردهای جاری برای گزارشگری متفاوت واحدهای تجاری کوچک و متوسط در نیوزلند مناسب نیستند و باید این استانداردها تجدیدنظر شوند. روند توسعه استانداردهای حسابداری در این کشور،

نشان‌دهنده این مطلب است که زمان آن فرارسیده که نیوزلند از رویکرد بخشی فاصله گرفته و واحدهای تجاری کوچک و متوسط در این کشور از استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط استفاده نماید.

رنی و سنکو (۲۰۰۹)، در پژوهشی در مورد گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در کانادا به این نتیجه رسیدند که هزینه تهیه صورت‌های مالی به‌وسیله واحدهای تجاری کوچک و متوسط بیش از منافع تهیه آن‌هاست و تدوین استانداردهای حسابداری جداگانه برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط ضرورت دارد.

دیکون و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی نیازهای ذینفعان واحدهای تجاری کوچک و متوسط و استنباط آن‌ها را از گزارش‌های مالی بررسی نمودند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که گروه‌های اصلی استفاده‌کننده صورت‌های مالی این واحدهای تجاری شامل مقامات دولتی، اعتباردهندگان، سهامداران، مدیران و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی می‌باشند.

انجمن حسابداران رسمی آمریکا در سال ۲۰۰۸ اعلام کرد که استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ در مقایسه با اصول پذیرفته‌شده حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط پیچیده و حجیم بوده و تهیه استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط اطلاعات مربوط تر و راهکار جایگزین ساده‌تری محسوب می‌شود (دف لیس، ۲۰۰۹). دی پای ترا و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی نشان دادند که استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط در آلمان مقامات مالیاتی، اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران، مدیران و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی این واحدهای تجاری می‌باشند.

ایرلی (۲۰۰۸) در پژوهشی دریافت که در آلمان استفاده‌کنندگان اصلی صورت‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط شامل تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، مدیران، اعتباردهندگان، مقامات مالیاتی بوده و استفاده‌کنندگانی که در درجه اهمیت پایین‌تری قرار دارند شامل مشتریان، فروشندگان، کارکنان و سرمایه‌گذاران بالقوه می‌باشند.

فیرنلی و هینس (۲۰۰۷)، در پژوهشی که بر روی شرکت‌های انگلیسی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که تهیه صورت‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط بر اساس استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ بسیار پیچیده است.

منگتو زگال (۲۰۰۶) در پژوهشی با مشارکت حسابداران و حساب‌برسان بر روی گزارشگری مالی واحدهای تجاری کوچک در کانادا دریافتند که رعایت استانداردهای حسابداری

شرکت‌های بزرگ توسط واحدهای تجاری کوچک پرهزینه و زمان‌بر است و آن‌ها دریافتند که هدف اصلی حسابداری در واحدهای تجاری کوچک، تهیه اطلاعات برای مقام‌های دولتی و اعتباردهندگان است.

زانزیگ و فلاشر (۲۰۰۶)، در پژوهش خود دریافتند که استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی صورت‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط را اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران، مؤسسات مالی و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی تشکیل می‌دهند.

میرشکاری و سوداگران (۲۰۰۵) در پژوهشی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در ایران را به هفت گروه (حسابرسان، سرمایه‌گذاران، مقامات سرمایه‌گذاری بانک‌ها، مقامات اعتباری بانک‌ها، مقامات مالیاتی، دلالان سهام و آکادمی‌ها) طبقه‌بندی نموده و این گروه‌ها را با یکدیگر مقایسه نمودند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که صورت‌حساب سود و زیان، گزارش حساب‌برسان و ترازنامه به ترتیب جز بااهمیت‌ترین گزارش‌های سالیانه شرکت‌ها در ایران بوده و در مورد اهمیت اقلام صورت‌های مالی بین مقامات اعتباری بانک‌ها، مقامات مالیاتی و حساب‌برسان اجماع کمتری وجود دارد. نایر و ریبنبرگ (۱۹۸۳) در پژوهشی بر روی استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی واحدهای تجاری کوچک در آمریکا (شامل بانک‌ها، مدیران این واحدهای تجاری و حساب‌برسان)، دریافتند که بانک‌های وام‌دهنده استفاده‌کنندگان اصلی از این اطلاعات مالی بوده و خواستار اطلاعات بیشتری از این واحدهای تجاری هستند.

پژوهش‌های داخلی

دلآوری و مهدوی (۱۳۹۸) در پژوهشی، از اساتید حسابداری دانشگاه‌های دولتی در مورد نیازهای گزارشگری مالی شرکت‌های کوچک در ایران نظرخواهی نموده و یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از این است که هزینه تهیه صورت‌های مالی به وسیله شرکت‌های کوچک بیش از منافع حاصل از آن است و اطلاعات موردنیاز استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی این گونه شرکت‌ها با آنچه اکنون در صورت‌های مالی ارائه می‌شود متفاوت است. نتیجه پژوهش آن‌ها بیانگر ضرورت ساده‌سازی نظام گزارشگری مالی شرکت‌های کوچک در ایران است.

رحیمیان و اسکندری (۱۳۹۱) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که به دلیل وجود عوامل و موانع متعدد در واحدهای تجاری کوچک و متوسط از جمله ساختار سازمانی و محیط فعالیت، رعایت استانداردهای حسابداری ایران و تهیه صورت‌های مالی برای آنان مقدور نیست و الزام

این واحدهای تجاری به رعایت استانداردهای موجود با مشکلات و محدودیت‌های بسیاری همراه است.

رحیمیان و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی ساختار استانداردهای حسابداری پرداخته و به این نتیجه رسیدند که با توجه به مشکلات واحدهای تجاری کوچک و متوسط در به‌کارگیری صحیح و مطلوب استانداردهای موجود و استقبال جهانی از استانداردهای بین‌المللی برای این واحدها، به نظر می‌رسد که بومی‌سازی و کاربرد این استانداردها برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران می‌تواند مفید واقع گردد.

برزگر (۱۳۸۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیده که، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، مهم‌ترین منابع تأمین مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران به شمار می‌روند و صورت‌های مالی و گزارش‌های سالانه، نقش مهمی در تصمیمات آنان دارد. مدیران واحدهای تجاری کوچک و متوسط، حساب‌ها و صورت‌های مالی خودشان را برای اهداف نظارتی به بانک‌ها ارسال می‌نمایند و بانک‌ها برای ارزیابی وضعیت نقدینگی، توان بازپرداخت بدهی و ارزیابی قابلیت سودآوری از اطلاعات استفاده می‌کنند.

فرضیه‌های پژوهش

در راستای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، سه فرضیه زیر مطرح شده است:

فرضیه اول) اعتباردهندگان در جامعه موردبررسی، نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط دارند.

فرضیه دوم) تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در جامعه موردبررسی، نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط دارند.

فرضیه سوم) بین اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در جامعه موردبررسی، از لحاظ نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط تفاوت معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ اینکه دانش کاربردی را در زمینه گزارشگری مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط توسعه می‌دهد، از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری و تحلیل اطلاعات، از نوع توصیفی و پیمایشی (پرسشنامه) است. از سوی دیگر روش مورد استفاده در این

پژوهش اندازه‌گیری شکاف میان استانداردهای موجود با تدوین استانداردهای جدید است که به آن نیازسنجی گفته می‌شود. نیازسنجی به معنی حاجت، میل، خواهش، کمبود و فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است که با توجه به ارزش‌های جامعه امکان ظهور می‌یابد و اگر تغییر شرایط موجود برای ارضا آن وجود نداشته باشد به صورت بالقوه باقی می‌ماند. طبق نظریه مازلو، نیازها دارای سلسله‌مراتبی از ابتدایی تا پیشرفته هستند و کسانی که همه نیازهایشان برآورده شده است، نیازهای پیشرفته را مهم‌تر از نیازهای ابتدایی می‌دانند. بنابراین ارضای یک نیاز موجب پیدایش نیازهای دیگر می‌گردد و بدین ترتیب خواسته‌ها و رفتار انسانی از سوی نیازهای ارضا نشده هدایت می‌شوند. جامعه‌شناسان نیاز را از لحاظ پیوستگی و ارتباط فرد با جامعه و محیط پیرامونش مطالعه می‌کنند. در این نوع نگرش، نیازها در سطح فرد و شرایط موقعیت او مطرح نمی‌گردند بلکه نیازهای گروهی، جمعی و اجتماعی درکنش متقابل مورد توجه قرار می‌گیرند. مطالعه نیازها بدون توجه خاص به ابعاد اجتماعی و تأثیرات اجتماعی بر روی نیازها و نیز بدون توجه به اثراتی که نیازهای پدید آمده بر جامعه دارد، غیرقابل توجیه است. نیازهای مشترک افراد وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند شکل گروهی و اجتماعی پیدا می‌کنند و در مقایسه با نیازهای فردی، ماهیتی دگرگون می‌یابند (فضل‌اللهی، ۱۳۹۰). در این پژوهش، نیازسنجی یعنی تفاوت یا شکاف میان اوضاع کنونی با وضعیت مطلوب که در این تحقیق منظور از اوضاع کنونی، تبعیت واحدهای تجاری کوچک و متوسط از استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ (استانداردهای موجود) و منظور از وضعیت مطلوب، تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط (تدوین استانداردهای جدید) است.

ابزارهای گردآوری داده‌های اطلاعاتی

در این پژوهش جهت گردآوری داده‌ها از دو ابزار مصاحبه و پرسشنامه استفاده شده که در ذیل به توضیح هر کدام پرداخته شده است. مصاحبه: یکی از شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه با افراد خاص برای به دست آوردن اطلاعات در مورد موضوعات موردعلاقه محقق است (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۷). با کمک مصاحبه می‌توان به ارزیابی عمیق‌تر ادراک‌ها، نگرش‌ها، علایق و آرزوهای آزمودنی‌ها پرداخت (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). در این تحقیق از مصاحبه نامنظم استفاده شده است. در مصاحبه

نامنظم مصاحبه‌گر از قبل سؤالاتی منظم که دارای توالی منطقی باشد طراحی نمی‌کند. هدف مصاحبه نامنظم آشکار کردن برخی موضوعات اولیه و مهم است به طوری که محقق بتواند نظر درستی نسبت به آنچه متغیرها بعداً نیاز به آن دارند ارائه کند. در این نوع مصاحبه فقط پرسش‌های کلی و باز مطرح می‌شود و پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند شاخصی از برداشت‌های افراد به محقق بدهد. نوع و ماهیت پاسخ‌ها می‌تواند بر اساس سطح شغلی و نوع کار انجام شده به وسیله پاسخ‌دهندگان متفاوت باشد (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۷).

پرسش‌نامه: پرسش‌نامه مجموعه سؤال‌های از قبل تعیین شده است که پاسخ‌دهندگان پاسخ‌های خود را درون دامنه‌ای از گزینه‌های معین انتخاب می‌کنند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۷). به منظور بررسی نیاز واحدهای کوچک و متوسط به استانداردهای حسابداری از پرسشنامه‌ای که بر اساس نتایج مطالعات و مصاحبه‌ها تدوین گردید، استفاده شده است. گوی‌های این پرسشنامه بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت تنظیم گردیده است. گوی‌های پرسشنامه دارای پنج گزینه کاملاً موافقم، موافقم، عدم اظهار نظر، مخالفم و کاملاً مخالفم بوده که به ترتیب اعداد ۵ تا ۱ به آن‌ها اختصاص داده شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق شامل دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در کلان‌شهر مشهد بوده و منظور از اعتباردهندگان، مدیران ارشد در سرپرستی بانک‌های تجاری دولتی، تخصصی دولتی، تمام خصوصی، نیمه‌دولتی و غیردولتی مشهد و منظور از تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، مدیران مالی شرکت‌های فعال در شهرک صنعتی توس (فاز ۱ و ۲) مشهد بوده است. پرسشنامه تحقیق بعد از تهیه، در سال ۱۳۹۸ بین دو گروه جامعه آماری توزیع و جمع‌آوری شد. حجم نمونه از رابطه ۱ (کوکران) و در سطح اطمینان ۹۵ درصد به شرح زیر محاسبه شده است:

رابطه ۱) حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و در سطح اطمینان ۹۵ درصد به شرح زیر محاسبه شده است:

$$n = \frac{NZ^2 \frac{\alpha}{2} pq}{\epsilon^2 (N) + Z^2 \frac{\alpha}{2} pq} = \frac{371(1.96)^2(0.836)(0.164)}{0.05^2(371) + (1.96)^2(0.836)(0.164)} = 134$$

که در این رابطه، P : درصد توزیع افراد دارای صفت در جامعه، q : درصد توزیع افراد فاقد صفت در جامعه، ϵ : کران خطای برآورد، Z : متغیر نرمال استاندارد متناظر با سطح اطمینان ۹۵ درصد، N : حجم جامعه است. بر مبنای این رابطه و با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد تعداد نمونه طبق کوکران و نمونه قابل استفاده در تحقیق محاسبه و در نگاره ۲ گزارش شده است.

نگاره ۲: تعداد جامعه، نمونه و نمونه قابل استفاده در پژوهش

جمع	تهیه کنندگان اطلاعات مالی	اعتباردهندگان	
۳۷۱	۲۳۰	۱۴۱	تعداد افراد جامعه آماری
۱۳۴	۸۳	۵۱	نمونه مورد نیاز طبق فرمول کوکران
۱۵۳	۸۲	۷۱	نمونه قابل استفاده در تحقیق

روایی و پایایی

در این پژوهش، برای تعیین روایی پرسشنامه از روایی محتوا استفاده شد. برای تعیین روایی محتوا بر اساس نظر خبرگان انجام شده به طوری که از نظرات اعضای هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد استفاده شد. برای تعیین پایایی و ارزیابی همسانی درونی پرسشنامه، از آلفای کرون باخ بهره گرفته شد. مقدار آلفای کرون باخ گوی‌ها طبق نگاره ۳ در حالت استانداردهای موجود، ۰/۷۲۱ و در حالت تدوین استانداردهای جدید، ۰/۷۵۷ به دست آمد و از آنجایی که مقدار آلفای کرون باخ بیش از ۰/۷ است بنابراین می‌توان گفت پرسشنامه از پایایی خوبی و قابلیت اعتماد لازم برخوردار است. داده‌های حاصل از این تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نگاره ۳: پایایی پرسشنامه

متغیرها	استانداردهای موجود	تدوین استانداردهای جدید
آلفای کرون باخ	۰/۷۲۱	۰/۷۵۷

پس از بررسی روایی و پایایی سوالات، پرسشنامه‌ای ۴۲ سؤالی تهیه و بین دو گروه اعتباردهندگان و تهیه کنندگان مالی توزیع شد. اطلاعات مربوط به توزیع و جمع آوری پرسش نامه‌ها در نگاره ۴ گزارش شده است.

نگاره ۴: اطلاعات مربوط به توزیع و جمع آوری پرسش نامه‌ها

جمع	تهیه کنندگان اطلاعات مالی	اعتباردهندگان	
۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰	پرسشنامه‌های توزیع شده
۴۷	۱۸	۲۹	پرسشنامه‌های غیر قابل تحلیل
۳۷۱	۸۲	۷۱	پرسشنامه‌های قابل تحلیل

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی

آمار توصیفی شامل متغیرهای جمعیت شناختی، شکاف بین گوی‌ها در گروه اعتباردهندگان و گروه تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در دو حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید است.

متغیرهای جمعیت شناختی

یافته‌های مربوط به متغیرهای جمعیت شناختی در نگاره ۵ گزارش شده است.

نگاره ۵: متغیرهای جمعیت شناختی

متغیر	دامنه	اعتبار		تهیه‌کنندگان		اطلاعات مالی
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
جنسیت	مرد	۶۱	۸۶	۶۹	۸۴	
	زن	۰	۰	۱۰	۱۲	
	بدون پاسخ	۱۰	۱۴	۳	۴	
سن	کمتر از ۳۰ سال	۷	۱۰	۲۱	۲۶	
	بین ۳۱ تا ۴۰ سال	۳۳	۴۶	۴۲	۵۱	
	بین ۴۱ تا ۵۰ سال	۹	۱۳	۸	۱۰	
	بیش از ۵۱ سال	۸	۱۱	۰	۰	
	بدون پاسخ	۱۴	۲۰	۱۱	۱۳	
تحصیلات	فوق دیپلم	۱	۱	۸	۱۰	
	کارشناسی	۱۶	۲۳	۴۸	۵۹	
	کارشناسی ارشد	۴۱	۵۸	۲۴	۲۹	
	دکتری	۵	۷	۰	۰	
	بدون پاسخ	۸	۱۱	۲	۲	
سابقه خدمت	کمتر از ۵ سال	۰	۰	۱۱	۱۳	
	بین ۶ تا ۱۵ سال	۱۶	۲۳	۲۶	۳۲	
	بین ۱۶ تا ۲۵ سال	۳۰	۴۲	۳۴	۴۱	
	بیش از ۲۶ سال	۱۶	۲۳	۵	۶	
	بدون پاسخ	۹	۱۳	۶	۷	

شکاف بین گویه‌ها

نیازسنجی به‌عنوان تفاوت یا شکاف میان اوضاع کنونی (استانداردهای موجود) با اوضاع مطلوب (تدوین استانداردهای جدید) تعریف می‌شود و هر چه شکاف بین گویه‌ها (استانداردهای موجود و تدوین

استانداردهای جدید) بیشتر باشد نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط بیشتر خواهد بود. در این بخش گویه‌های مربوط به هر یک از گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، به صورت توصیفی بررسی می‌شود.

تکراه ۶: گویه‌های پژوهش

ردیف	سؤالات
۱	تهیه صورت‌های مالی (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا استفاده‌کنندگان عادی (کسانی که دانش متعارفی از مسائل کسب و کار دارند) بتوانند موضوع فعالیت آن‌ها را درک کنند.
۲	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث خواهد شد تا استفاده‌کنندگان عادی بتوانند موضوع فعالیت آن‌ها را درک کنند.
۳	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث خواهد شد تا صورت‌های مالی (SMES) به زبانی ساده تهیه شوند.
۴	تهیه صورت‌های مالی (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا این صورت‌های مالی به زبانی ساده تهیه شوند.
۵	رویه‌های حسابداری (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، رویه‌های ساده‌ای هستند.
۶	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث ساده‌سازی رویه‌های حسابداری (SMES) خواهد شد.
۷	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث شفافیت مالی این واحدهای تجاری خواهد شد.
۸	تهیه صورت‌های مالی (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شفافیت مالی (SMES) شده است.
۹	تهیه صورت‌های مالی (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، بر اساس نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان می‌باشد.
۱۰	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث خواهد شد تا صورت‌های مالی (SMES) بر اساس نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان تهیه شوند.
۱۱	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) می‌تواند مقدار زیادی از ابهام نسبت به فعالیت‌های (SMES) را رفع نماید.
۱۲	تهیه صورت‌های مالی (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، مقدار زیادی از ابهام نسبت به فعالیت‌های این واحدهای تجاری را رفع می‌نماید.
۱۳	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث خواهد شد تا بتوان سودآوری (SMES) را برآورد نمود.

۱۴	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان سودآوری این واحدهای تجاری را برآورد نمود.
۱۵	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان جریان‌های نقدی این واحدهای تجاری را برآورد نمود.
۱۶	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان جریان‌های نقدی این واحدهای تجاری را برآورد نمود.
۱۷	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان ایفای تعهدات این واحدهای تجاری را بتوان برآورد نمود.
۱۸	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان ایفای تعهدات این واحدهای تجاری را بتوان برآورد نمود.
۱۹	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان عملکرد واقعی و عملکرد برآوردی این واحدهای تجاری را با یکدیگر مقایسه نمود.
۲۰	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان عملکرد واقعی و عملکرد برآوردی این واحدهای تجاری را با یکدیگر مقایسه نمود.
۲۱	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری به‌صورت صادقانه بیان شود.
۲۲	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری را به‌صورت صادقانه بیان نمود.
۲۳	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری به‌صورت بی‌طرفانه بیان نمود.
۲۴	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری را به‌صورت بی‌طرفانه بیان نمود.
۲۵	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری با دقت کافی بیان شود.
۲۶	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری با دقت کافی بیان شود.
۲۷	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا صورت‌های مالی (SMEs) بتوانند حقایق بااهمیت مربوط به این واحدهای تجاری را در برداشته باشد.
۲۸	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا این صورت‌های مالی، حقایق بااهمیت مربوط به این واحدهای تجاری را در برداشته باشد.
۲۹	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا اطلاعات صورت‌های مالی آن‌ها به‌طور صحیح (یعنی همخوانی اطلاعات با وقایع) ارائه شوند.

۳۰	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا اطلاعات صورت‌های مالی این واحدهای تجاری به‌طور صحیح ارائه شوند.
۳۱	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا محتوای اقتصادی رویدادهای مالی این واحدهای تجاری به‌روشنی بیان شود.
۳۲	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا محتوای اقتصادی رویدادهای مالی این واحدهای تجاری به‌روشنی بیان شود.
۳۳	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان وضعیت مالی این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود.
۳۴	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان وضعیت مالی این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود.
۳۵	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان عملکرد این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود.
۳۶	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان عملکرد این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود.
۳۷	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان نقدینگی این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود.
۳۸	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان نقدینگی این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود.
۳۹	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا اطلاعات این واحدهای تجاری به‌طور کامل در صورت‌های مالی افشا شود.
۴۰	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا اطلاعات این واحدهای تجاری به‌طور کامل در صورت‌های مالی افشا شود.
۴۱	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا تعادل هزینه-فایده تهیه اطلاعات حفظ شود.
۴۲	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا تعادل هزینه-فایده تهیه اطلاعات حفظ شود.

شکاف بین گویه‌ها در گروه اعتباردهندگان

نتایج آمار توصیفی گروه اعتباردهندگان در نگاره ۶ گزارش شده است. در این جدول میانگین نمرات پاسخ اعتباردهندگان در دو حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید و برای هر سؤال محاسبه و سپس شکاف بین آن‌ها تعیین شده است. جهت تعیین معنی‌دار بودن شکاف‌ها از آزمون علامت استفاده شده است.

نگاره ۷: آمار توصیفی گویه‌ها به همراه شکاف آن‌ها (گروه اعتباردهندگان)

شکاف میانگین	تدوین استانداردهای جدید		گویه‌ها	استانداردهای موجود		گویه‌ها
	انحراف معیار	میانگین		انحراف معیار	میانگین	
۱/۷۶۱	۱/۱۶۷	۳/۸۴۵	۲	۰/۹۳۷	۲/۰۸۵	۱
۲/۰۲۸	۱/۰۸۲	۴/۰۰۰	۳	۰/۸۳۶	۱/۹۷۲	۴
۲/۱۴۱	۰/۹۰۹	۴/۱۲۷	۶	۰/۶۲۱	۱/۹۸۶	۵
۱/۷۶۱	۱/۱۳۶	۳/۷۷۵	۷	۰/۹۳۳	۲/۰۱۴	۸
۲/۵۶۳	۰/۶۰۳	۴/۴۳۷	۱۰	۰/۸۶۱	۱/۸۷۳	۹
۲/۰۹۹	۱/۱۶۸	۴/۰۸۵	۱۱	۰/۸۷۰	۱/۹۸۶	۱۲
۲/۵۳۵	۰/۶۷۸	۴/۳۵۲	۱۳	۰/۷۰۳	۱/۸۱۷	۱۴
۱/۸۴۵	۱/۱۵۹	۴/۰۰۰	۱۶	۱/۱۵۴	۲/۱۵۵	۱۵
۲/۲۲۵	۱/۳۳۹	۴/۰۸۵	۱۷	۰/۸۵۰	۱/۸۵۹	۱۸
۲/۲۸۲	۰/۹۳۵	۴/۱۹۷	۲۰	۰/۸۴۱	۱/۹۱۵	۱۹
۱/۸۷۳	۱/۰۰۷	۴/۰۱۴	۲۲	۰/۸۶۷	۲/۱۴۱	۲۱
۲/۳۶۶	۰/۷۱۵	۴/۲۱۱	۲۴	۰/۷۴۹	۱/۸۴۵	۲۳
۲/۰۷۰	۱/۰۴۲	۴/۰۰۰	۲۶	۰/۵۴۳	۱/۹۳۰	۲۵
۱/۸۷۳	۱/۱۹۸	۳/۷۷۵	۲۷	۰/۷۴۰	۱/۹۰۱	۲۸
۲/۰۹۹	۱/۱۱۴	۳/۷۶۱	۳۰	۰/۵۸۴	۱/۶۶۲	۲۹
۲/۱۹۷	۱/۲۱۶	۳/۹۱۵	۳۲	۰/۵۶۵	۱/۷۱۸	۳۱
۱/۲۹۶	۰/۶۷۲	۴/۴۵۱	۳۳	۱/۳۸۰	۳/۱۵۵	۳۴
۲/۳۶۶	۱/۱۲۵	۴/۱۸۳	۳۶	۰/۷۴۳	۱/۸۱۷	۳۵
۱/۷۸۹	۱/۱۵۹	۴/۰۰۰	۳۸	۱/۰۹۴	۲/۲۱۱	۳۷
۲/۳۶۶	۰/۶۰۴	۴/۳۲۴	۳۹	۰/۸۱۸	۱/۹۵۸	۴۰
۲/۲۲۵	۰/۸۴۵	۴/۰۲۸	۴۱	۰/۶۶۸	۱/۸۰۳	۴۲

طبق نگاره ۶ بیشترین شکاف بین دو گویه ۹ و ۱۰ و کمترین شکاف بین دو گویه ۳۳ و ۳۴ است. (۹-تهیه صورت‌های مالی (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، بر اساس نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان. ۱۰-تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث خواهد شد تا صورت‌های مالی (SMES) بر اساس نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان تهیه شوند ۳۳- تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث خواهد شد تا بتوان وضعیت مالی این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود ۳۴-تهیه صورت‌های مالی (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان وضعیت مالی این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود).

شکاف بین گویه‌ها در گروه تهیه کنندگان اطلاعات مالی

نتایج آمار توصیفی تهیه کنندگان اطلاعات مالی در نگاره ۷ گزارش شده که میانگین نمرات پاسخ تهیه کنندگان اطلاعات مالی در دو حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید و برای هر سؤال محاسبه و سپس شکاف بین آن‌ها تعیین شده است. جهت تعیین معنی دار بودن شکاف‌ها از آزمون علامت استفاده شده است. طبق نگاره ۷ بیشترین شکاف بین دو گویه

۳۱ و ۳۲ و کمترین شکاف بین دو گویه ۲۳ و ۲۴ است. (۳۱-تهیه صورت‌های مالی برای (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا محتوای اقتصادی رویدادهای مالی این واحدهای تجاری به‌روشنی بیان شود. ۳۲- تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا محتوای اقتصادی رویدادهای مالی این واحدهای تجاری به‌روشنی بیان شود. ۲۳- تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری به‌صورت بی‌طرفانه بیان نمود ۲۴- تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری را به‌صورت بی‌طرفانه بیان نمود).

تکراه: آمار توصیفی گویه‌ها به همراه شکاف آن‌ها (گروه تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی)

شکاف	تدوین استانداردهای جدید		گروه‌ها	استانداردهای موجود		گویه‌ها
	میانگین	انحراف معیار		میانگین	انحراف معیار	
۱/۲۶۸	۱/۳۸۳	۳/۱۵۹	۲	۰/۹۰۳	۱/۸۹۰	۱
۱/۴۰۲	۱/۳۰۴	۳/۳۱۷	۳	۰/۹۱۹	۱/۹۱۵	۴
۰/۸۶۶	۱/۳۹۲	۲/۸۴۱	۶	۱/۰۱۸	۱/۹۷۶	۵
۱/۵۶۱	۱/۳۱۷	۳/۶۵۹	۷	۱/۱۴۰	۲/۰۹۸	۸
۱/۴۸۸	۱/۳۲۶	۳/۵۲۴	۱۰	۱/۰۸۲	۲/۰۳۷	۹
۱/۰۲۴	۱/۴۵۳	۳/۳۶۶	۱۱	۱/۲۵۹	۲/۳۴۱	۱۲
۱/۶۳۴	۱/۳۱۰	۳/۷۰۷	۱۳	۱/۱۴۲	۲/۰۷۳	۱۴
۱/۴۱۵	۱/۵۲۲	۳/۲۵۶	۱۶	۱/۰۰۰	۱/۸۴۱	۱۵
۱/۶۱۰	۱/۳۱۷	۳/۷۶۸	۱۷	۱/۱۴۹	۲/۱۵۹	۱۸
۱/۰۷۳	۱/۴۲۳	۲/۸۹۰	۲۰	۰/۹۴۴	۱/۸۱۷	۱۹
۱/۰۴۹	۱/۴۲۲	۳/۳۱۷	۲۲	۱/۳۲۴	۲/۲۶۸	۲۱
۰/۸۲۹	۱/۱۹۶	۳/۹۵۱	۲۴	۱/۳۴۶	۳/۱۲۲	۲۳
۱/۳۰۵	۱/۳۴۵	۳/۴۸۸	۲۶	۱/۱۱۳	۲/۱۸۳	۲۵
۱/۰۶۱	۱/۴۰۴	۲/۸۲۹	۲۷	۰/۸۲۱	۱/۷۶۸	۲۸
۱/۱۴۶	۱/۴۹۸	۳/۳۱۷	۳۰	۱/۱۰۹	۲/۱۷۱	۲۹
۱/۶۷۱	۰/۹۹۹	۴/۱۲۲	۳۲	۱/۲۷۸	۲/۴۵۱	۳۱
۱/۳۷۸	۱/۰۲۸	۴/۱۳۴	۳۳	۱/۳۴۸	۲/۷۵۶	۳۴
۱/۱۱۰	۱/۴۶۷	۲/۹۱۵	۳۶	۰/۹۳۵	۱/۸۰۵	۳۵
۱/۲۰۷	۰/۹۷۰	۴/۱۸۳	۳۸	۱/۳۸۸	۲/۹۷۶	۳۷
۰/۸۹۰	۱/۳۸۶	۲/۸۲۹	۳۹	۱/۰۸۱	۱/۹۳۹	۴۰
۰/۹۵۱	۱/۴۰۰	۲/۸۷۸	۴۱	۰/۹۵۳	۱/۹۲۷	۴۲

آمار استنباطی

آمار استنباطی شامل مقایسه گویه‌ها در دو حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید برای اعتباردهندگان، تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی و ادغام دو گروه و سپس مقایسه شکاف بین دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی.

مقایسه گویه‌ها

در این قسمت گویه‌ها در حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید برای گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی مقایسه می‌شوند. این مقایسه با استفاده از آزمون ناپارامتری علامت (به دلیل نرمال نبودن متغیرها) انجام می‌شود. اگر برای هر یک از گویه‌ها فراوانی پاسخی که استانداردهای موجود کمتر از تدوین استانداردهای جدید است، نسبت به سایر فراوانی‌ها خیلی بیشتر باشد، به طوری که سطح معنی‌داری از پنج درصد کمتر شود، می‌توان نتیجه گرفت که برای آن گویه باید استاندارد جدید تدوین شود.

مقایسه گویه‌ها در گروه اعتباردهندگان

در این بخش گویه‌های مربوط به گروه اعتباردهندگان در حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید با یکدیگر مقایسه می‌شوند. نتیجه این مقایسه در نگاره ۹ ارائه شده است.

در نگاره ۹، از نظر گروه اعتباردهندگان سه فراوانی با یکدیگر مقایسه می‌شود (۱- فراوانی پاسخ‌های استانداردهای موجود کمتر از فراوانی پاسخ‌های تدوین استانداردهای جدید است. ۲- فراوانی پاسخ‌های استانداردهای موجود بیشتر از فراوانی پاسخ‌های تدوین استانداردهای جدید است. ۳- فراوانی پاسخ‌های استانداردهای موجود برابر با فراوانی پاسخ‌های تدوین استانداردهای جدید است).

نتیجه آزمون نشان داد که برای گویه ۱ و ۲ فراوانی پاسخی که تدوین استانداردهای جدید بزرگ‌تر از استانداردهای موجود است برابر با ۵۵ و نسبت به سایر فراوانی‌ها بیشتر است، همچنین مقدار سطح معنی‌داری از پنج درصد کمتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، برای گویه ۱ و ۲ باید استانداردهای جدید تدوین شود. به طور مشابه برای سایر گویه‌ها نیز چنین نتیجه‌ای حاصل شده است. نتیجه نهایی این آزمون نشان دهنده تایید یا رد فرضیه دوم است که در نگاره ۹ بیان شده است.

نگاره ۹: نتایج آزمون علامت برای مقایسه گویه‌ها در دو حالت استانداردهای موجود و تدوین

استانداردهای جدید (گروه اعتباردهندگان)

گویه‌ها	استانداردهای موجود >	استانداردهای موجود <	استانداردهای موجود =	آماره آزمون	سطح معنی داری
۱ و ۲	۵۵	۸	۸	-۵/۷۹۵	<۰/۰۰۱
۳ و ۴	۵۹	۴	۸	-۶/۸۰۳	<۰/۰۰۱
۵ و ۶	۶۶	۲	۳	-۷/۶۴۰	<۰/۰۰۱
۷ و ۸	۵۷	۶	۸	-۶/۲۹۹	<۰/۰۰۱
۹ و ۱۰	۶۸	۰	۳	-۸/۱۲۵	<۰/۰۰۱
۱۱ و ۱۲	۶۰	۶	۵	-۶/۵۲۴	<۰/۰۰۱
۱۳ و ۱۴	۶۷	۲	۲	-۷/۷۰۵	<۰/۰۰۱
۱۵ و ۱۶	۵۷	۶	۸	-۶/۲۹۹	<۰/۰۰۱
۱۷ و ۱۸	۵۹	۶	۶	-۶/۴۵۰	<۰/۰۰۱
۱۹ و ۲۰	۶۲	۳	۶	-۷/۱۹۴	<۰/۰۰۱
۲۱ و ۲۲	۶۰	۵	۶	-۶/۶۹۸	<۰/۰۰۱
۲۳ و ۲۴	۶۴	۱	۶	-۷/۶۹۰	<۰/۰۰۱
۲۵ و ۲۶	۶۴	۴	۳	-۷/۱۵۵	<۰/۰۰۱
۲۷ و ۲۸	۶۰	۵	۶	-۶/۶۹۸	<۰/۰۰۱
۲۹ و ۳۰	۶۱	۲	۸	-۷/۳۰۷	<۰/۰۰۱
۳۱ و ۳۲	۶۱	۵	۵	-۶/۷۷۰	<۰/۰۰۱
۳۳ و ۳۴	۴۹	۸	۱۴	-۵/۲۹۸	<۰/۰۰۱
۳۵ و ۳۶	۶۲	۴	۵	-۷/۰۱۶	<۰/۰۰۱
۳۷ و ۳۸	۵۷	۹	۵	-۵/۷۸۵	<۰/۰۰۱
۳۹ و ۴۰	۶۷	۲	۲	-۷/۷۰۵	<۰/۰۰۱
۴۱ و ۴۲	۶۵	۲	۴	-۷/۵۷۵	<۰/۰۰۱

مقایسه گویه‌ها در گروه تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی

در این بخش گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرها در گروه تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید با یکدیگر مقایسه می‌شوند. نتیجه این مقایسه در نگاره ۱۰ ارائه شده است. در نگاره ۱۰، از نظر گروه تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی سه فراوانی با یکدیگر مقایسه می‌شود (۱- فراوانی پاسخ‌های استانداردهای موجود کمتر از فراوانی پاسخ‌های تدوین استانداردهای جدید است. ۲- فراوانی پاسخ‌های استانداردهای موجود بیشتر از فراوانی پاسخ‌های تدوین استانداردهای جدید است. ۳- فراوانی پاسخ‌های استانداردهای موجود برابر با فراوانی پاسخ‌های تدوین استانداردهای جدید است).

نتیجه آزمون نشان داد که برای گویه ۱ و ۲ فراوانی پاسخی که تدوین استانداردهای جدید بزرگ‌تر از استانداردهای موجود است، برابر با ۵۵ و نسبت به سایر فراوانی‌ها بیشتر است، همچنین مقدار سطح معنی داری از پنج درصد کمتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان

گفت، برای گویه ۱ و ۲ باید استاندارد جدید تدوین شود. به طور مشابه برای سایر گویه‌ها نیز چنین نتیجه‌ای حاصل شده است. نتیجه نهایی این آزمون نشان دهنده تایید یا رد فرضیه دوم است که در نگاره ۱۰ بیان شده است.

نگاره ۱۰: نتایج آزمون علامت برای مقایسه گویه‌ها در دو حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید (گروه تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی)

گویه‌ها	استانداردهای موجود >	استانداردهای موجود < تدوین	استانداردهای موجود = تدوین	آماره آزمون	سطح معنی‌داری
۱ و ۲	۵۵	۱۴	۱۳	-۴/۸۱۵	<۰/۰۰۱
۳ و ۴	۵۵	۱۳	۱۴	-۴/۹۷۲	<۰/۰۰۱
۵ و ۶	۵۰	۲۰	۱۲	-۳/۴۶۶	۰/۰۰۱
۷ و ۸	۶۱	۸	۱۳	-۶/۲۶۰	<۰/۰۰۱
۹ و ۱۰	۶۱	۱۰	۱۱	-۵/۹۳۴	<۰/۰۰۱
۱۱ و ۱۲	۴۷	۲۱	۱۴	-۳/۰۳۲	۰/۰۰۲
۱۳ و ۱۴	۵۶	۱۳	۱۳	-۵/۰۵۶	<۰/۰۰۱
۱۵ و ۱۶	۵۴	۱۱	۱۷	-۵/۲۰۹	<۰/۰۰۱
۱۷ و ۱۸	۶۳	۹	۱۰	-۶/۲۴۶	<۰/۰۰۱
۱۹ و ۲۰	۵۱	۱۳	۱۸	-۴/۶۲۵	<۰/۰۰۱
۲۱ و ۲۲	۴۹	۱۷	۱۶	-۳/۸۱۶	<۰/۰۰۱
۲۳ و ۲۴	۴۴	۱۹	۱۹	-۳/۰۲۴	۰/۰۰۲
۲۵ و ۲۶	۵۵	۱۳	۱۴	-۴/۹۷۲	<۰/۰۰۱
۲۷ و ۲۸	۵۱	۱۸	۱۳	-۳/۸۵۲	<۰/۰۰۱
۲۹ و ۳۰	۴۷	۱۶	۱۹	-۳/۷۸۰	<۰/۰۰۱
۳۱ و ۳۲	۶۵	۶	۱۱	-۶/۸۸۳	<۰/۰۰۱
۳۳ و ۳۴	۵۸	۱۳	۱۱	-۵/۲۲۲	<۰/۰۰۱
۳۵ و ۳۶	۵۰	۱۷	۱۵	-۳/۹۰۹	<۰/۰۰۱
۳۷ و ۳۸	۵۵	۱۴	۱۳	-۴/۸۱۵	<۰/۰۰۱
۳۹ و ۴۰	۵۰	۱۶	۱۶	-۴/۰۶۲	<۰/۰۰۱
۴۱ و ۴۲	۵۱	۱۵	۱۶	-۴/۳۰۸	<۰/۰۰۱

مقایسه شکاف گویه‌ها

در این بخش دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی از نظر میزان شکاف گویه‌ها در دو حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید با یکدیگر مقایسه می‌شوند. این مقایسه با استفاده از آزمون نا پارامتری من وی تنی (به دلیل نرمال نبودن متغیرها) انجام می‌شود. جهت این مقایسه ابتدا یک ستون برای میانگین نمرات سؤالات مربوط به استانداردهای موجود و یک ستون برای میانگین نمرات سؤالات مربوط به تدوین استانداردهای جدید ایجاد می‌کنیم. در نهایت یک ستون جدید که از تفاضل دو ستون قبلی به دست می‌آید ایجاد می‌کنیم که ستون شکاف کلی نام دارد. با استفاده از آزمون من وی تنی نمرات ستون شکاف را برای دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی مقایسه می‌کنیم. اگر برای هر یک از گویه‌ها میانگین رتبه‌های یک گروه نسبت به گروه دیگر تفاوت داشته باشد، به طوری که سطح معنی‌داری از پنج درصد کمتر شود، می‌توان نتیجه گرفت که میزان شکاف در دو گروه با اطمینان ۹۵ درصد تفاوت دارد. نتیجه آزمون در نگاره ۱۰ نشان می‌دهد که برای گویه ۱ و ۲، میانگین رتبه گروه اعتباردهندگان بیشتر از گروه تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی است، اما سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۷۸ و از پنج درصد بیشتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، بین دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی از نظر شکاف دو گویه ۱ و ۲ تفاوت وجود ندارد. در این جدول برای همه گویه‌ها (به جز گویه‌های ۳۳ و ۳۴) میانگین رتبه گروه اعتباردهندگان بیشتر از گروه تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی است. همچنین سطح معنی‌داری برای گویه‌های ۷ و ۸، ۱۵ و ۱۶، ۳۳ و ۳۴ از پنج درصد بیشتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، بین دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی از نظر میزان شکاف گویه‌های فوق تفاوت معنی‌داری وجود ندارد اما چون سطح معنی‌داری برای تفاوت دو گروه از نظر شکاف سایر گویه‌ها از پنج درصد کمتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، بین دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی از نظر میزان شکاف سایر گویه‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میزان شکاف در گروه اعتباردهندگان بیشتر است. نتیجه نهایی این آزمون نشان دهنده تایید یا رد فرضیه سوم است که در نگاره ۱۱ بیان شده است.

تکانه ۱: نتایج آزمون من وی تنی برای مقایسه دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان

اطلاعات مالی

گروه‌ها	گروه	میانگین رتبه‌ها	آماره آزمون	سطح معنی‌داری
۲ و ۱	اعتباردهندگان	۸۳/۶۴۸	۲۴۳۹/۰۰۰	۰/۰۷۸
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۷۱/۲۴۴		
۳ و ۴	اعتباردهندگان	۸۶/۴۱۵	۲۲۴۲/۵۰۰	۰/۰۱۲
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۸/۸۴۸		
۶ و ۵	اعتباردهندگان	۹۴/۵۲۱	۱۶۶۷/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۱/۸۲۹		
۷ و ۸	اعتباردهندگان	۷۹/۵۱۴	۲۷۳۲/۵۰۰	۰/۵۰۴
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۷۴/۸۲۳		
۱۰ و ۹	اعتباردهندگان	۹۱/۳۱۷	۱۸۹۴/۵۰۰	۰/۰۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۴/۶۰۴		
۱۱ و ۱۲	اعتباردهندگان	۸۹/۹۷۹	۱۹۸۹/۵۰۰	۰/۰۰۱
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۵/۷۶۲		
۱۳ و ۱۴	اعتباردهندگان	۸۸/۹۰۸	۲۰۶۵/۵۰۰	۰/۰۰۱
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۶/۶۸۹		
۱۶ و ۱۵	اعتباردهندگان	۸۳/۱۸۳	۲۴۷۲/۰۰۰	۰/۱۰۱
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۷۱/۶۴۶		
۱۷ و ۱۸	اعتباردهندگان	۸۶/۳۹۴	۲۲۴۴/۰۰۰	۰/۰۱۳
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۸/۸۶۶		
۲۰ و ۱۹	اعتباردهندگان	۹۲/۸۹۴	۱۷۸۲/۵۰۰	۰/۰۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۳/۲۳۸		
۲۲ و ۲۱	اعتباردهندگان	۸۷/۳۸۷	۲۱۷۳/۵۰۰	۰/۰۰۶
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۸/۰۰۶		
۲۴ و ۲۳	اعتباردهندگان	۹۶/۹۳۷	۱۴۹۵/۵۰۰	۰/۰۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۵۹/۷۳۸		
۲۶ و ۲۵	اعتباردهندگان	۸۶/۸۱۰	۲۲۱۴/۵۰۰	۰/۰۰۹
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۸/۵۰۶		
۲۷ و ۲۸	اعتباردهندگان	۸۹/۶۸۳	۲۰۱۰/۵۰۰	۰/۰۰۱
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۶/۰۱۸		
۳۰ و ۲۹	اعتباردهندگان	۸۹/۷۷۵	۲۰۰۴/۰۰۰	۰/۰۰۱
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۵/۹۳۹		
۳۲ و ۳۱	اعتباردهندگان	۸۶/۳۰۳	۲۲۵۰/۵۰۰	۰/۰۱۳
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۸/۹۴۵		
۳۳ و ۳۴	اعتباردهندگان	۷۵/۰۱۴	۲۷۷۰/۰۰۰	۰/۶۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۷۸/۷۲۰		
۳۶ و ۳۵	اعتباردهندگان	۹۳/۷۳۹	۱۷۲۲/۵۰۰	۰/۰۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۲/۵۰۶		
۳۸ و ۳۷	اعتباردهندگان	۸۶/۱۵۵	۲۲۶۱/۰۰۰	۰/۰۱۶
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۹/۰۷۳		
۴۰ و ۳۹	اعتباردهندگان	۹۸/۲۰۴	۱۴۰۵/۵۰۰	۰/۰۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۵۸/۶۴۰		
۴۱ و ۴۲	اعتباردهندگان	۹۵/۵۷۰	۱۵۹۲/۵۰۰	۰/۰۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۰/۹۲۱		

آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای بررسی فرضیه اول، باید میانگین گویه‌های مربوط به متغیرها در حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید در گروه اعتباردهندگان با یکدیگر مقایسه شوند. این مقایسه با استفاده از آزمون نا پارامتری علامت (به دلیل نرمال نبودن متغیرها) بررسی می‌شود. نتایج در نگاره ۱۲ ارائه شده است.

نگاره ۱۲: نتیجه آزمون فرضیه اول

سطح معنی داری	آماره آزمون	استانداردهای موجود = تدوین استانداردهای جدید	استانداردهای موجود < تدوین استانداردهای جدید	استانداردهای موجود > تدوین استانداردهای جدید
<۰/۰۰۱	-۸/۳۰۷	۰	۰	۷۱

نتایج آزمون نشان داد برای میانگین همه گویه‌ها فراوانی پاسخ‌هایی که تدوین استانداردهای جدید بزرگ‌تر از استانداردهای موجود است نسبت به سایر فراوانی‌ها بیشتر است و همچنین سطح معنی داری از پنج درصد کمتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه اول تأیید می‌شود و می‌توان گفت اعتباردهندگان در جامعه مورد بررسی، نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط دارند.

برای بررسی فرضیه دوم، باید میانگین گویه‌های مربوط به متغیرها در حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید در گروه تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی با یکدیگر مقایسه شوند. این مقایسه با استفاده از آزمون نا پارامتری علامت (به دلیل نرمال نبودن متغیرها) بررسی می‌شود. نتایج در نگاره ۱۳ ارائه شده است.

نگاره ۱۳: نتیجه آزمون فرضیه دوم

سطح معنی داری	آماره آزمون	استانداردهای موجود = تدوین استانداردهای جدید	استانداردهای موجود < تدوین استانداردهای جدید	استانداردهای موجود > تدوین استانداردهای جدید
<۰/۰۰۱	-۸/۹۴۵	۰	۰	۸۲

نتایج آزمون نشان داد برای میانگین همه گویه‌ها فراوانی پاسخ‌هایی که تدوین استانداردهای جدید بزرگ‌تر از استانداردهای موجود است نسبت به سایر فراوانی‌ها بیشتر است و همچنین سطح معنی داری از پنج درصد کمتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه دوم تأیید می‌شود

و می‌توان گفت تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در جامعه مورد بررسی، نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط دارند.

برای بررسی فرضیه سوم، باید شکاف گویه‌های مربوط به متغیرها در حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید با یکدیگر محاسبه شود و این شکاف در دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی با یکدیگر مقایسه شود. این مقایسه با استفاده از آزمون نا پارامتری من وی تنی (به دلیل نرمال نبودن) انجام می‌شود. نتایج در نگاره ۱۴ ارائه شده است.

نگاره ۱۴: نتیجه آزمون فرضیه سوم

گروه	میانگین رتبه‌ها	آماره آزمون	سطح معنی‌داری
اعتباردهندگان	۱۰۹/۲۶۱	۶۲۰/۵۰۰	۰/۰۰۰
تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۴۹/۰۶۷		

طبق نتایج آزمون، چون سطح معنی‌داری برای تفاوت دو گروه از پنج درصد کمتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین دو گروه از نظر میزان شکاف به‌طور کلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میزان شکاف در گروه اعتباردهندگان بیشتر از تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه سوم تأیید می‌شود و می‌توان گفت بین اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در جامعه مورد بررسی، از لحاظ نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط تفاوت معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری

طبق استاندارد حسابداری شماره ۱ ایران، هدف ارائه صورت‌های مالی مقاصد عمومی است. در بخش یک استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط آمده که این واحدهای تجاری مسئولیت پاسخگویی عمومی ندارند و صورت‌های مالی با مقاصد عمومی را منتشر نمی‌کنند. در بندت-۶۲ استاندارد حسابرسی شماره ۲۰۰ ایران، واحدهای تجاری کوچک واحدهای تجاری هستند که اوراق بهادار آنها به عموم عرضه نمی‌شود. بنابراین در ایران واحدهای تجاری کوچک و متوسط از استانداردهای حسابداری

تبعیت می‌کنند که با مقاصد عمومی تهیه‌شده و حال آنکه در این واحدهای تجاری مقاصد عمومی مطرح نیست. در این راستا مسئله اصلی تحقیق این است که آیا در ایران و در جامعه موردبررسی نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط وجود دارد یا خیر؟ بنابراین در پژوهش حاضر نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط از دیدگاه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی موردبررسی قرار گرفته است. از لحاظ استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی، این پژوهش مانند پژوهش گاسن (۲۰۱۷)، امورجی و همکاران (۲۰۱۴)، دیکون و همکاران (۲۰۰۹)، پای ترا و همکاران (۲۰۰۸)، منگت و زگال (۲۰۰۶)، زانزیگ و فلاشر (۲۰۰۶) و میرشکاری و سوداگران (۲۰۰۵)، ایرلی (۲۰۰۸) و نایر و ریتنبرگ (۱۹۸۳) به اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی به‌عنوان بخشی از استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط پرداخته است.

نیازسنجی یعنی تفاوت میان اوضاع کنونی با وضعیت مطلوب که در این تحقیق منظور از اوضاع کنونی، تبعیت واحدهای تجاری کوچک و متوسط از استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ (استانداردهای موجود) و منظور از وضعیت مطلوب، تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط (تدوین استانداردهای جدید) است. جهت اندازه‌گیری شکاف، ابتدا سؤال‌های پرسشنامه شناسایی و این سؤال‌ها در دو گروه (استانداردهای موجود) و (تدوین استانداردهای جدید) طبقه‌بندی شدند. با مقایسه پاسخ سؤال‌ها شکاف بین آن‌ها به تفکیک بین اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی بررسی و سپس با استفاده از آزمون علامت، معنی‌داری شکاف‌ها اندازه‌گیری شد. نتیجه آزمون علامت نشان داد که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط نیاز دارند (تایید فرضیه اول و دوم). جهت مقایسه نیاز در دو جامعه از آزمون من‌وی تنی استفاده شد و نتیجه این آزمون نشان داد که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در جامعه موردبررسی، از لحاظ نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط تفاوت معناداری وجود دارد (تایید فرضیه سوم) و میزان نیاز در گروه اعتباردهندگان بیشتر از تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی است. در مورد نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در پژوهش‌های مختلف به شیوه‌های متعددی تحقیق شده است. در این پژوهش، نیاز از طریق اندازه‌گیری شکاف بین (استانداردهای

موجود) و (تدوین استانداردهای جدید) اندازه‌گیری شده است. در پژوهش کایا و کخ (۲۰۱۵) نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط به این صورت تعیین شده که استفاده از استانداردهای حسابداری واحدهای تجاری بزرگ برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط باعث کاهش کیفیت سود این واحدهای تجاری می‌شود. در پژوهش بونیا و همکاران (۲۰۱۲) نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط به این صورت تعیین شده که اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان واحدهای تجاری کوچک و متوسط با اطلاعات مورد نیاز واحدهای تجاری بزرگ متفاوت است. در پژوهش رنی و سنکو (۲۰۰۹) نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط به این صورت تعیین شده که هزینه تهیه صورت‌های مالی به وسیله واحدهای تجاری کوچک و متوسط بیش از منافع تهیه آن‌ها است. در پژوهش فیرنلی و هینس (۲۰۰۷) نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط به این صورت تعیین شده که تهیه صورت‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط بر اساس استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ بسیار پیچیده است.

مهم‌ترین محدودیت پژوهش این است که احتمال عدم درک مفاهیم و محتوای سؤالات پرسشنامه و بروز ابهام برای پاسخگو وجود دارد. همچنین حدود ده درصد پرسشنامه‌ها در پژوهش قابل استفاده نبود که اگر آن‌ها نیز قابل استفاده بود می‌توانست نتیجه پژوهش را تا حدودی تغییر دهد. با توجه به نتیجه کاربردی این پژوهش، پیشنهاد می‌شود قبل از اجرایی شدن استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران، ابتدا تحقیقی در مورد نیازسنجی تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط برای تمام گروه‌های استفاده‌کننده و در سطح کلان کشور انجام و سپس این استانداردها با در نظر گرفتن شرایط محیطی کشور بومی سازی و اجرایی شوند.

منابع

- برزگر، قدرت اله. (۱۳۸۹). استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی متفاوت برای شرکت‌های کوچک و متوسط. دانش و پژوهش حسابداری، ۶ (۲۰)، ۳۰-۳۵ و ۹۰-۹۳.
- حمزه نیک نیورد، حمزه؛ افلاطونی، عباس؛ نیکبخت، زهرا. (۱۳۹۹). تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشا بر بکارگیری منابع مالی در هسته اصلی فعالیت تجاری شرکت‌ها. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۹ (۳۵)، ۹۷-۱۱۴.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، مهدی؛ آذر، عادل. (۱۳۹۷). روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: صفار.
- دلاوری، جواد؛ مهدوی، غلامحسین. (۱۳۹۸). نیازهای گزارشگری مالی شرکت‌های کوچک: دیدگاه استادان حسابداری. دانش حسابداری، ۱۰ (۳)، ۱-۳۲.
- رحیمیان، نظام‌الدین؛ زمانی فرد، ندا. (۱۳۹۶). همگرایی استانداردهای بین‌المللی و واحدهای تجاری کوچک و متوسط. حسابدار رسمی، ۲۵ (۲۵)، ۲۳-۳۴.
- رحیمیان، نظام‌الدین؛ اسکندری، کیوان. (۱۳۹۱). استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط. حسابدار رسمی، ۳۲ (۳۲)، ۴۲-۶۴.
- رحیمیان، نظام‌الدین. (۱۳۹۱). استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط، تهران: دهکده.
- رحیمیان، نظام‌الدین؛ عالی خانی، محسن؛ عدل زاده، مرتضی. (۱۳۹۰). بررسی ساختار استانداردهای حسابداری. حسابرس، ۵۷ (۵۷)، ۲۸-۴۲.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، اله. (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه.
- شریف‌زاده، مظفر. (۱۳۸۷). نقش واحدهای تجاری کوچک و متوسط در توسعه فعالیت‌های اقتصادی ایران، دومین همایش ملی توسعه فعالیت‌های اقتصادی، نقده: دانشگاه پیام نور.
- فضل‌اللهی، سیف‌الله؛ ملکی توانا، منصوره. (۱۳۹۰). رویکردی جامع به روش‌ها و تکنیک‌های مهم نیازسنجی آموزشی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۶۸ (۶۸)، ۸۳-۱۱۵.
- قلی پور چاری، شهربانو. (۱۳۹۳). شرکت‌های تجاری کوچک و متوسط و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی. بورس، ۱۱۱ (۱۱۱)، ۱۰۵-۱۰۶.
- کیبوری، آرمان؛ رشیدی، ناصر. (۱۳۹۴). نقش و جایگاه واحدهای صنفی کوچک و متوسط، تهران: ساکو.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۹۷). استاندارد حسابداری ۱-ارائه صورت‌های مالی، تجدیدنظر شده، تهران: سازمان حسابرسی.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی. (۱۳۹۶). استانداردهای حسابرسی ایران، تهران: سازمان حسابرسی.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۴). کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر برحسب تعداد شاغلان و استان، تهران: روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل مرکز آمار.

- Accounting Standards Committee. (2019). *Accounting Standard 1. Revised Financial Statements*, Tehran: Auditing Organization. [In Persian]
- Audit Standards Committee. (2018). *Iran Audit Standards*. Tehran, Audit Organization. [In Persian]
- Bassemir, M., Farkas, Z. (2018). IFRS adoption, reporting incentives and financial reporting quality in private firms. *Journal of Business Finance & Accounting*, 45 (78), 759-796.
- Barzegar, GH. (2011). Different financial accounting and reporting standards for small and medium enterprises. *Accounting Knowledge and Research*, 6 (20), 30-35 and 90-93. [In Persian]
- Bunea, S., Scarini, M., Minu, M. (2012). Romanian Professional Accountants Perception on the Differential Financial Reporting for Small and Medium-Sized Enterprises. *Accounting and Management Information Systems*, 11 (1), 27-43.
- aaaa vrr,, .. J., aa hdvv,, .. (2019). Rqqurmnents of Small Eniiiii's Financial Reporting: The Viewpoint of Accounting Professors. *Journal of Accounting Knowledge*, 10 (3), 1-32. [In Persian]
- Danaeifard, H., Alvani, M., Azar, A. (2018). *Quantitative Research Methodology in Management: A Comprehensive Approach*, Tehran: Saffar. [in Persian]
- Deaconu, A., Nistor, C. S., Popa, I. (2009). Analysis of the Stakeholders' Needs and Their Inference upon Financial Reports of SMEs. *Journal of International Business and Economics*, 9 (1), 39-52.
- Defelice, A. (2009). IFRS for Small and Medium- sized Entities (IFRS for SMEs)- U.S GAAP Comparisod Tool. *Journal of Accountancy*, Available Online.
- Di Pietra, R., Evans, L., Chevy, J., Cisi, M., Eierle, B., Jarvis, R. (2008). Comment on the IASB's exposure draft 'IFRS for small and medium-sized entities, *Accounting in Europe*, 5 (1), 27-47.
- Eierle, B. (2008). Final Report of the Survey on the ED-IFRS for SMEs among German SMEs. *4th Annual Workshop on Accounting in Europe*, Lund University, 50-55.
- Fearnley, S., Hines, T. (2007). How IFRS has destabilized financial reporting for UK nonlisted entities. *Journal of Financial Regulation and Compliance*, 15(4), 394-408.
- Fazlallahi, S., Moleki Tavana, M. (2012). A Comprehensive Approach to the Methods and Techniques of Educational Needs Assessment. *Methodology of Humanities*, 17 (68), 83-115. [In Persian]
- Gholipour Chari, S. (2015). Small and Medium Business Companies and International Financial Reporting Standards. *Boors*, (111), 105-106. [In Persian]
- Gassen, J. (2017). The Effect of IFRS for SMEs on the Financial Reporting Environment of Private Firms: an Exploratory Interview Study. *Accounting and Business Research*, 47 (5), 540-563.
- Hamzenike Niafard, M., Aflatooni, A., Nikbakht, Z. (2020). The Effect of Accounting Information Quality and Disclosure Quality on the Use of Financial Resources in Firms Core Business, *Empirical Research in Accounting*, 9(35), 97-114. [In Persian]
- Kaya, D., Koch, M. (2015). Countries Adaption of The International Financial Reporting Standard for Small and Medium-sized Entities (IFRS for SMEs)- Early Empirical Evidence. *Accounting and Business Research*, 45 (1), 93-120.
- Kipouri, A., Rashidi, N. (2015). *The Role and Position of Small and Medium Business Unions*, Tehran: Sako. [In Persian]

- Maingot, M., Zeghal, D. (2006). Financial Reporting of Small Bussines Entities in Canada. *Small Bussines Management*, 44 (4), 513-530.
- Mizunoura, K. (2015). Accounting Standards for Small- and Medium-Sized Enterprises in ASEAN. *Economic Research Institute for ASEAN and East Asia*, (22), 1-180.
- Mirshakary, S., Saudagaran, S. M. (2005). Perception and Chacteristics of Financial Statement users in Developing Countries: Evidence from Iran. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, (14), 33-54.
- Nair, R. D., Rittenberg, L. (1983). Alternative Accounting Principles for Smaller Businesses and Analysis. *The Journal of Commercial Bank Lending*, (65), 2-21.
- Omoriegbe, N.A.E., Adeparubi, O.O., Iboi, P.E. (2014). Financial Reporting By Small and Medium Scale Enterprises in Nigeria. *Journal of Business and Management*, 16 (4), 53-61.
- Rennie, R., Senkow, D. (2009). Financial reporting for private companies: The Canadian experience. *Accounting Perspectives*, 8(1), 43-97.
- Rahimian, N., Zamani Fard, N. (2018). Convergence of International Standards and Small and Medium Business Units. *Official Accountant*, (25), 23 - 34. [In Persian]
- Rahimian, N. (2013). *International Financial Reporting Standards for Small and Medium Business Enterprises*, Tehran: Dehkadeh. [In Persian]
- Rahimian, N., Eskandari, K. (2013). Accounting Standards and Financial Reporting for Small and Medium Business Units. *Official Accountant*, (32), 42-64. [In Persian]
- Rahimian, N., Ali Khani, M., Adelpzadeh, M. (2012). Investigating the Structure of Accounting Standards. *Auditor*, (57), 28 - 42. [In Persian]
- Sharifzadeh, M. (2009). The role of small and medium enterprises in the development of Iran's economic activities. *National Conference on the Development of Economic Activities*, Payame Noor University. [In Persian]
- Statistical Center of Iran. (2015). *Industrial Workshops 10 Personnel and More by Number of Employees and Provinces*, Tehran: Public Relations and International Cooperation Center of Statistics. [In Persian]
- Sarmad, Z., Bazargan, A., Hejazi, E. (2012). *Methods in Research in Behavioral Sciences*, Tehran: Awareness. [In Persian]
- Thi Phuong Uyen, N. (2010). A History of the Development of New Zealand Accounting Standards for Small and Medium Enterprises and the Future Prospects of IFRS for SMEs. *requirements for the Degree of Master of Business*, Auckland University of Technology.
- Valentinetti, D., Rea, M.A., Basile, C. (2016). Differences between National Reporting Practice and IFRS for SMEs Presentation and Disclosure Requirements: Evidence from Italy. *International Journal of Accounting and Financial Reporting*, 6 (2), 146-174.
- Zanzig, J., Flesher, D. (2006). GAAP requirements for nonpublic companies. *The CPA Journal*, 76 (5), 40-48.

COPYRIGHTS



©2022 Alzahra University, Tehran, Iran. This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.